Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries
Online ISSN: 3060-5997
https://diplic.qom.ac.ir

Board of Directors' Liability for Corporate' Intellectual Property Assets: Emphasizing Corporate Governance Requirements

Akram Aghamohammadi[1]

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran (Corresponding Author). Email: aghamohammadi@znu.ac.ir

Abstract

Received: 01/06/2026
Revised: 05/08/2026
Accepted: 29/08/2026
Published online: 27/09/2026

English Intellectual property assets are among the most important intangible assets of corporates, and their proper protection and management constitute important responsibilities of corporate governance bodies. As the principal body responsible for oversight and decision-making within a corporate, the board of directors bears responsibility for identifying, protecting, and overseeing risks associated with intellectual property assets. The present study adopts a descriptive-analytical approach with the aim of elucidating the legal foundations and duties of the board of directors with respect to intellectual property assets, with particular emphasis on corporate governance requirements. In addition to examining Iranian law, the study analyzes the legal framework and judicial practice of the State of Delaware in the United States, given the development of its judicial jurisprudence and its significant influence on corporate law throughout the United States. The findings indicate that, although Iranian law does not expressly impose an independent duty of "oversight of intellectual property assets" on the board of directors, such a duty to oversee and adopt reasonable measures for the management of the corporate's intellectual property assets can be inferred from the relevant legal provisions. Under U.S. law, particularly Delaware corporate law, this duty has been further developed through directors' fiduciary duties, especially the duty of care and the duty of oversight. Accordingly, strengthening mechanisms for the identification, risk assessment, protection, and reporting of intellectual property assets can contribute to enhancing corporate governance and reducing directors' liability.

Keywords: Corporate Governance, Board of Directors, Intellectual Property, Fiduciary Duties, Delaware Legal System.

How To Cite: Aghamohammadi, A (2026). Board of Directors' Liability for Corporate' Intellectual Property Assets: Emphasizing Corporate Governance Requirements, *Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries*, 2(3), 1-24. https://www.doi.org/10.22091/diplic.2026.17266.1059

Published by: University of Qom **© The Author(s)** **Article type: Research**

آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی
https://diplic.qom.ac.ir
شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۵۹۹۷

مسئولیت هیئت‌مدیره در قبال دارایی‌های فکری شرکت: با تأکید بر الزامات حاکمیت شرکتی

اکرم آقامحمدی[۱]

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: aghamohammadi@znu.ac.ir

چکیده

دارایی‌های فکری از مهم‌ترین دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها به شمار می‌روند و حفاظت و مدیریت صحیح آن‌ها از وظایف مهم ارکان حاکمیت شرکتی به شمار می‌رود. هیئت‌مدیره به‌عنوان رکن اصلی نظارت و تصمیم‌گیری شرکت، در قبال شناسایی، حفاظت و نظارت بر ریسک‌های مرتبط با دارایی‌های فکری دارای مسئولیت است. پژوهش حاضر، به روش توصیفی‌تحلیلی و با هدف تبیین مبانی و وظایف قانونی هیئت‌مدیره در قبال دارایی‌های فکری و با تأکید بر الزامات حاکمیت شرکتی انجام شده و ضمن بررسی حقوق ایران، مبانی و رویه حقوقی ایالت دلاور ایالات‌متحده آمریکا را به دلیل توسعه‌یافتگی رویه قضایی و تأثیر قابل توجه بر حقوق شرکت‌ها در سراسر ایالات‌متحده مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اگرچه در حقوق ایران تکلیف مستقلی با عنوان «نظارت بر دارایی‌های فکری» برای هیئت‌مدیره به‌صراحت پیش‌بینی نشده است، اما از مجموع مقررات مربوطه می‌توان تکلیف هیئت‌مدیره به نظارت و اتخاذ تدابیر متعارف را برای مدیریت دارایی‌های فکری شرکت را استنباط کرد. در حقوق آمریکا، این تکلیف با اتکا به وظایف امانی مدیران، به‌ویژه وظیفه مراقبت و وظیفه نظارت، توسعه بیشتری یافته است. بنابراین تقویت سازوکارهای شناسایی، ارزیابی ریسک، حفاظت و گزارش‌دهی دارایی‌های فکری می‌تواند به ارتقای حاکمیت شرکتی و کاهش مسئولیت مدیران منجر شود.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، هیئت‌مدیره، مالکیت فکری، وظایف امانی، نظام حقوقی دلاور.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۱
تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۵/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۷
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۷/۰۵

استناد: آقامحمدی، اکرم (۱۴۰۵). مسئولیت هیئت‌مدیره در قبال دارایی‌های فکری شرکت: با تأکید بر الزامات حاکمیت شرکتی، آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی، ۲(۳)، ۲۴-۱. https://www.doi.org/ 10.22091/diplic.2026.17266.1059

ناشر: دانشگاه قم
© **نویسندگان**
نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

در اقتصاد دانش‌محور امروزی، مالکیت فکری به‌عنوان یکی از ارزشمندترین دارایی شرکت‌ها محسوب می‌شود. دارایی‌های فکری دیگر موضوعی صرفاً تخصصی در حوزه حقوق مالکیت فکری نیستند، بلکه به یکی از عناصر اساسی ارزش‌آفرینی و استمرار فعالیت شرکت‌ها تبدیل شده‌اند. بر اساس گزارش سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ارزش ۲۰۲۶ دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها در سال ۲۰۲۵ به حدود ۹۷ تریلیون دلار رسیده و در آستانه ۱۰۰ تریلیون دلار قرار دارد. این میزان، از مجموع تولید ناخالص داخلی بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان نیز فراتر رفته است.[۱] این گزارش به‌روشنی نشان می‌دهد که اقتصاد از نظامی که ارزش در آن بر مبنای دارایی‌های ملموس سنجیده می‌شد، به اقتصادی دگرگون شده است که ارزش آن عمدتاً بر پایه اندیشه، دانش و نوآوری شکل می‌گیرد. این تحول از نظر اهمیت، کمتر از انقلاب صنعتی بیش از یک قرن پیش نیست. ازاین‌رو، شرکت‌ها با گنجاندن مدیریت مالکیت فکری در چارچوب‌های حاکمیت شرکتی خود می‌توانند حفاظت از دارایی‌های نامشهود و ارزش راهبردی این دارایی‌ها را ارتقا دهند (Raichana, 2025: 104).

در ساختار شرکت، مدیریت روزمره و تخصصی دارایی‌های فکری معمولاً بر عهده مدیران عامل، واحدهای حقوقی و متخصصان مربوط قرار دارد؛ بااین‌حال، این امر لزوماً موجب زوال مسئولیت هیئت‌مدیره در قبال این دارایی‌ها نمی‌شود. هیئت‌مدیره به‌عنوان رکن اصلی اداره و نظارت بر شرکت، مکلف است در حدود وظایف قانونی و امانی خود، نسبت به دارایی‌ها و ریسک‌هایی که برای فعالیت و ارزش شرکت اهمیت اساسی دارند، نظارت متناسب اعمال کند. از این منظر، مسئله اصلی آن نیست که آیا اعضای هیئت‌مدیره شخصاً باید امور تخصصی مالکیت فکری را مدیریت کنند، بلکه این است که آیا آنان باید از وجود سازوکارهای مناسب برای شناسایی، حفاظت، ارزیابی و مدیریت ریسک‌های مرتبط با دارایی‌های فکری اطمینان حاصل کنند؟ و در صورت قصور در این زمینه، تحت شرایطی مسئول شناخته شوند یا خیر؟ در این میان، حقوق شرکت‌های ایالت دلاور آمریکا و رویه قضایی آن، به‌ویژه درزمینهٔ توسعه وظیفه نظارت

---

۱. در شاخص جهانی نوآوری (Global Innovation Index - GII)، سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) با همکاری مؤسسه Brand Finance به ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها پرداخته است. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به سایت:
https://www.wipo.int/en/web/global-innovation-index/w/blogs/2026/the-value-of-corporate-intangible-assets-worldwide.

هیئت‌مدیره، ظرفیت مناسبی برای تحلیل این مسئله فراهم می‌کند. آرای مهمی همچون پرونده کرمارک[1] چارچوبی را برای بررسی حدود مسئولیت مدیران در قبال نظارت بر ریسک‌های اساسی شرکت ایجاد کرده‌اند. اگرچه این آرا مستقیماً درباره مالکیت فکری صادر نشده‌اند، اما اصول حاکم بر آن‌ها می‌تواند در تحلیل وضعیت شرکت‌هایی که دارایی‌های فکری بخش مهمی از ارزش یا فعالیت آن‌ها را تشکیل می‌دهد، مورد استفاده قرار گیرد.

مطالعه این رویکرد در کنار حقوق ایران می‌تواند به روشن شدن این پرسش کمک کند که آیا و تا چه میزان می‌توان وظیفه نظارت بر دارایی‌های فکری را از چارچوب کلی وظایف امانی هیئت‌مدیره استنباط کرد. در حقوق ایران نیز هرچند مقررات موجود به‌صورت صریح و جامع، مسئولیت هیئت‌مدیره نسبت به دارایی‌های فکری را پیش‌بینی نکرده‌اند، بااین‌حال، مقررات مربوط به وظایف و مسئولیت مدیران شرکت‌ها و نیز قواعد عمومی مسئولیت مدنی، زمینه لازم برای بررسی این موضوع را فراهم می‌سازد. ازاین‌رو، مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که حدود مسئولیت هیئت‌مدیره در قبال دارایی‌های فکری شرکت با توجه به الزامات حاکمیت شرکتی و وظایف امانی مدیران چیست و حقوق ایران و حقوق شرکت‌های ایالت دلاور چگونه این مسئولیت را تبیین می‌کنند؟

در راستای این پرسش اصلی، این پژوهش می‌کوشد مشخص کند که وظایف امانی نظیر مراقبت، وفاداری و نظارت چگونه نسبت به دارایی‌های فکری اعمال می‌شوند، در چه شرایطی قصور هیئت‌مدیره می‌تواند موجب مسئولیت شود. بنابراین، ساختار مقاله نیز بر همین اساس تنظیم شده است؛ به‌گونه‌ای که پس از تبیین مبانی مسئولیت هیئت‌مدیره نسبت به دارایی فکری، وظایف امانی هیئت‌مدیره در ارتباط با دارایی‌های فکری تحلیل و سپس با بررسی تطبیقی حقوق دلاور و ایران، خلأها و ظرفیت‌های حقوقی موجود و راهکارهای تقویت چارچوب قانونی و حاکمیتی ایران مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. مبنای مسئولیت هیئت‌مدیره در قبال دارایی‌های فکری در چارچوب حاکمیت شرکتی

مبنای مسئولیت هیئت‌مدیره به‌عنوان رکن اصلی نظام حاکمیت شرکتی در قبال دارایی فکری شرکت را می‌توان در مقررات عمومی حاکم بر وظایف قانونی آن‌ها در قبال حفظ و اداره دارایی‌های شرکت و همچنین الزامات حاکمیت شرکتی جستجو نمود. ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (۱۳۴۷)[2] در مورد

1. In re Caremark International Inc. Derivative Litigation, 698 A.2d 959 (Del. Ch. 1996).

۲. از این پس با عنوان ل.ا.ق.ت آمده است.

صلاحیت و حدود اختیارات هیئت‌مدیره اشعار داشته است: «جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آن‌ها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آن که تصمیمات و اقدامات آن‌ها در حدود موضوع شرکت باشد».

در ماده ۵۷۲ لایحه قانون تجارت[1] نیز همین حکم تکرار شده است. بدین ترتیب، همان‌گونه که هیئت‌مدیره در قبال اداره اموال فیزیکی و مادی شرکت مسئول است، نسبت به دارایی‌های فکری نیز نمی‌تواند از مسئولیت مدیریتی و نظارتی خود صرف‌نظر کند. بدین ترتیب، مبنای اصلی این مسئولیت ناشی از جایگاه هیئت‌مدیره به‌عنوان رکن اداره‌کننده شرکت و تکلیف آن به اقدام در جهت حفظ منافع شرکت و سهامداران است.

۲. توزیع قدرت و کنترل در شرکت و تأثیر آن بر تعیین وظایف هیئت‌مدیره در قبال دارایی فکری شرکت

در الگوی سنتی حاکمیت شرکتی، فرض بر آن است که حقوق کنترلی ناشی از مالکیت سهام و قدرت رأی سهامداران است و از طریق رأی‌گیری، ترکیب هیئت‌مدیره و درنتیجه مدیریت شرکت تعیین می‌شود. بااین‌حال، ترتیبات قراردادی میان سهامداران می‌تواند این رابطه سنتی میان حق رأی و کنترل را تغییر دهد و حقوق کنترلی، ازجمله حق تعیین مدیران یا اعمال حق وتو نسبت به تصمیمات مهم شرکت به اشخاصی اعطا شود که لزوماً متناسب با میزان مالکیت یا قدرت رأی آنان نیست. درواقع، توافق‌های سهامداران در شرکت‌های خصوصی و حتی شرکت‌هایی که وارد بازار عمومی شده‌اند، می‌توانند به‌طور قابل توجهی ساختار کنترل شرکت را بازطراحی کنند.

از این منظر، در تحلیل حاکمیت شرکتی و به‌ویژه حمایت از دارایی‌های فکری شرکت، صرف توجه به مالکیت رسمی یا سمت مدیریتی اشخاص کافی نیست؛ بلکه باید دارنده واقعی اختیار و کنترل بر تصمیمات مرتبط با دارایی‌های فکری نیز شناسایی شود. هرچه قدرت تصمیم‌گیری درباره دارایی‌هایی مانند فناوری، اختراعات، اسرار تجاری و اطلاعات محرمانه از ساختار رسمی مالکیت و مدیریت فاصله گیرد، اهمیت قواعد مربوط به پاسخگویی و وظایف امانی اشخاص دارای کنترل واقعی افزایش می‌یابد. اصلاح قانون

---

۱. متن نهایی لایحه قانون تجارت مشتمل بر ۱۳۴۳ ماده و در قالب ۵ کتاب در تاریخ ۲۸ فروردین‌ماه ۱۴۰۳، به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسیده اما تاکنون شورای نگهبان راجع به آن اظهارنظری نکرده است (از این پس با عنوان لایحه تجارت ۱۴۰۳ آمده است).

دلاور[1] این وضعیت را تغییر داده است. اکنون سهامداران می‌توانند در توافق‌نامه سهامداران درباره موضوعاتی مانند: ۱. انتقال یا واگذاری پتنت؛ ۲. اعطای مجوز بهره‌برداری (لیسانس)؛ ۳. انتقال دانش فنی؛ ۴. حفظ اسرار تجاری، از حقوق خود در قالب‌بندهای قراردادی دفاع کنند یا حتی حق وتو داشته باشند. بنابراین بخشی از قدرت تصمیم‌گیری که قبلاً در اختیار هیئت‌مدیره بود، به قرارداد میان سهامداران منتقل می‌شود. تأثیرات این اصلاحات به شرح ذیل است:

۲-۱. تأثیر بر وظایف هیئت‌مدیره

اگر اختیار تصمیم‌گیری درباره دارایی‌های فکری از طریق قرارداد محدود شود، هیئت‌مدیره دیگر آزادی سابق را در مدیریت این دارایی‌ها ندارد. درنتیجه، حدود اختیارات، مسئولیت‌ها و وظایف امانی هیئت‌مدیره نیز تغییر می‌کند که یکی از موضوعات اصلی حاکمیت شرکتی است.

۲-۲. تأثیر بر ارزش شرکت

چون دارایی‌های فکری مهم‌ترین دارایی بسیاری از استارت‌اپ‌ها هستند، هر تغییری در قواعد کنترل آن‌ها مستقیماً بر ارزش شرکت، روابط میان بنیان‌گذاران و سرمایه‌گذاران و ساختار حاکمیت شرکتی اثر می‌گذارد. این اصلاحات نشان می‌دهد که مدیریت دارایی‌های فکری دیگر صرفاً در صلاحیت هیئت‌مدیره نیست و می‌تواند تا حدودی به موجب قراردادهای سهامداران محدود شود. این توافق‌نامه‌ها اکنون می‌توانند انجام تقریباً هر اقدامی از سوی شرکت را ممنوع سازند، انجام آن را الزامی کنند یا منوط به اخذ رضایت سهامداران نمایند. بنابراین، حاکمیت شرکتی در حوزه دارایی‌های فکری علاوه‌بر قواعد سازمانی تحت تأثیر سازوکارهای قراردادی نیز قرار دارد. این تحول، مرز میان اختیارات هیئت‌مدیره و حقوق قراردادی سهامداران را بازتعریف کرده و بر نحوه اعمال کنترل و نظارت بر دارایی‌های فکری شرکت اثرگذار است (Hill, 2026: 281). اگرچه این شروط ماهیتی قراردادی دارند، اما حقوقی نسبت به دارایی‌های مشخص ایجاد می‌کنند؛ حقوقی که از بسیاری جهات مشابه حقوق ناشی از مالکیت عینی است. بااین‌حال، عنوان و مالکیت رسمی همچنان در اختیار شرکت باقی می‌ماند (Hill, 2026: 283). بنابراین در حاکمیت شرکتی مدرن، مفهوم کنترل شرکت صرفاً به اختیار رأی‌دهی و انتخاب مدیران محدود نیست، بلکه شامل توانایی اعمال نفوذ بر دارایی‌های راهبردی شرکت، به‌ویژه دارایی‌های فکری، نیز می‌شود. از این منظر، سازوکارهای قراردادی میان سهامداران

1. Delaware Senate Bill No. 313

می‌توانند توزیع سنتی قدرت میان سهامداران و هیئت‌مدیره را تغییر داده و بر نحوه اداره و بهره‌برداری از دارایی‌های فکری شرکت اثرگذار باشد.

در نظام حقوقی ایران، هر سهم در شرکت برای مالک سهام متضمن حقوق مالی (حق برخورداری از سود و...، حق اطلاع از تصمیمات شرکت، حق کنترل) و حقوق غیرمالی نظیر حق رأی است. هر سهمی دارای حق رأی است و شرکت نمی‌تواند سهامی را صادر نماید که بدون حق رأی باشد و سهامدارانی که دارای تعداد سهام بیشتری باشند، قاعدتاً از حق رأی بیشتری نیز برخوردار هستند. حق رأی سهامدار نیز می‌تواند با اعطای وکالت به دیگری یا مباشرتاً اعمال شود (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۷۷). برخورداری از حق رأی در مواد مختلف قانون تجارت منعکس شده است (مواد ۷۵، ۸۴ و...ل.ا.ق.ت). مطابق ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت انتخاب اعضای هیئت‌مدیره یکی از تصمیماتی است که از طریق رأی‌گیری در مجمع عمومی عادی صورت می‌گیرد. بنابر تصریح ماده ۱۰۷ لایحه مذکور: «شرکت سهامی به‌وسیله هیئت‌مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد». از مواد فوق می‌توان به‌عنوان مبنای قانونی تفکیک حق رأی سهامداران از اختیارات هیئت‌مدیره در حقوق ایران یاد نمود.

این «تفکیک حق رأی از اختیار اداره و کنترل» بدین معناست که سهامداران از طریق حق رأی خود در مجامع عمومی اعضای هیئت‌مدیره را انتخاب می‌کنند، اما مدیریت و اداره و کنترل دارایی‌های شرکت در اختیار هیئت‌مدیره قرار دارد (Rauterberg, 2021: 1137). نتیجه چنین تفکیکی این است که پس از انتخاب هیئت‌مدیره، قدرت اداره شرکت دیگر مستقیماً نزد سهامدار نیست، بلکه از طریق هیئت‌مدیره اعمال می‌شود و این مسئله برای مالکیت فکری اهمیت دارد: مثلاً سهامدار مالک ۶۰ درصد سهام، لزوماً خودش تصمیم نمی‌گیرد یک اختراع شرکت فروخته شود؛ این تصمیم حسب مورد، از مسیر ارکان شرکت و حدود صلاحیت آن‌ها اتخاذ می‌شود. ازاین‌رو وقتی قدرت اداره از مالک جدا می‌شود، لازم است مدیر در استفاده از این قدرت وفادار و مراقب و پاسخگو باشد.

ناگفته نماند که حقوق ایران حتی لایحه تجارت ۱۴۰۳ نیز، همانند الگوی سنتی حاکمیت شرکتی، میان مالکیت سهام و اداره شرکت قائل به تمایز شده و اعمال مدیریت را از طریق هیئت‌مدیره سامان داده است، مقررات قانون تجارت نیز به‌صراحت نظام جامع و مستقلی برای جدایی قراردادی حق رأی از کنترل شرکت پیش‌بینی نکرده است. ازاین‌رو، انتقال یا بازتوزیع قدرت کنترل از طریق توافق‌های قراردادی باید در حدود قواعد آمره شرکت‌ها، اساسنامه و صلاحیت‌های قانونی ارکان شرکت تحلیل شود.

۳. مسئولیت هیئت‌مدیره نسبت به دارایی فکری شرکت بر اساس الزامات حاکمیت شرکتی

۳-۱. وظایف امانی[1] و نظارتی

مدیران به‌عنوان یکی از ارکان شرکت‌ها، نماینده شرکت محسوب می‌شوند که این نمایندگی را مجامع عمومی به آن‌ها اعطا می‌کند. به دلیل همین اختیار عام و نمایندگی که مدیران مطابق مواد ۱۰۷ و ۱۱۸ ل.ا.ق.ت برخوردار هستند امین شرکت محسوب شده و متعهد می‌شوند که در اداره امور شرکت منافع شرکت و سهامداران را لحاظ نمایند (جنیدی و اکبریان‌طبری، ۱۳۹۷: ۷۳). مهم‌ترین دلیلی که موجب می‌شود هیئت‌مدیره به مالکیت فکری توجه کنند، مسئولیت امانی آنان در قبال حفاظت از دارایی‌های سهامداران و اطمینان از دستیابی آنان به بازده حاصل از سرمایه‌گذاری‌هایشان است. رویکرد سنتی مبتنی بر عدم مداخله هیئت‌مدیره در امور مالکیت فکری، دیگر با الزامات نوین حاکمیت شرکتی سازگار نیست و مدیران باید نظارت راهبردی مؤثری بر مدیریت این دارایی‌ها اعمال کنند (Hadzima, 2020: 5).

وظایف امانی مجموعه‌ای از تعهدات حقوقی است که اعضای هیئت‌مدیره به دلیل نمایندگی شرکت و سهامداران بر عهده دارند. این وظایف ایجاب می‌کند که مدیران در اداره شرکت، منافع شرکت را بر منافع شخصی مقدم داشته و تصمیمات خود را با رعایت استانداردهای مقرر اتخاذ کنند. همچنان که در تبصره ماده ۵۹۸ لایحه تجارت (۱۴۰۳) در باب وظایف امانی هیئت‌مدیره آمده است: «مسئولیت‌های امانی مدیر یا اعضای هیئت‌مدیره شرکت به شرح زیر است ۱. صرفاً در چارچوب اختیارات خود اقدام کنند؛ ۲. در کلیه تصمیمات و اقدامات خود غبطه و مصلحت شرکت و شرکا و یا سهامداران را رعایت کنند؛ ۳. به نحو متعارف برای جلب منافع شرکت کوشش کنند و از اموال، حقوق و منافع شرکت مراقبت نمایند؛ ۴. در اقدامات و تصمیمات خود استقلال داشته و بدون تأثیرپذیری یا وابستگی به دیگران اقدام کنند؛ ۵. آن دسته از معاملات اقدامات یا تصمیماتی که خود در آن‌ها نفع شخصی یا تعارض منافع دارند را به صراحت برای سایر ارکان شرکت اعلام و افشا نمایند؛ ۶. از دارایی، اطلاعات یا فرصت‌های شرکت، سوءاستفاده یا بهره‌برداری شخصی نکنند؛ ۷. در ازای اجرای وظایف و اختیارات مدیریتی خود، از شخص ثالث منفعت، پاداش یا مزایایی دریافت نکنند». همچنین هیئت‌مدیره باید سازوکارهای لازم برای حفظ اسرار تجاری، دانش فنی و سایر دارایی‌های فکری را طراحی و نظارت کند؛ چراکه ارزش دارایی‌های فکری صرفاً از خود دارایی ناشی نمی‌شود، بلکه به مدیریت، محرمانگی و کنترل آن وابسته است. ازاین‌رو افشا یا مدیریت نادرست این

1. Fiduciary Duties

دارایی‌ها می‌تواند ارزش اقتصادی شرکت را به‌طور جدی کاهش دهد. در حقوق شرکت‌های آمریکا، به‌ویژه حقوق ایالت دلاور، وظایف امانی هیئت‌مدیره عمدتاً در سه دسته اصلی بررسی می‌شود.

۳-۱-۱. وظیفه نظارتی

با وجود اینکه وظیفه نظارت، یکی از جلوه‌های مهم تعهدات امانی مدیران است، مدیریت دارایی‌های فکری معمولاً به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی نظارت هیئت‌مدیره تلقی نمی‌شود. در اغلب شرکت‌ها، اختیار رسیدگی به مسائل مربوط به مالکیت فکری به‌طور کامل به مدیران عامل به‌عنوان رکن اجرایی شرکت واگذار می‌شود و هیئت‌مدیره نیز معمولاً گزارش‌های مربوط به دارایی‌های فکری را به‌ندرت دریافت می‌کند یا حتی در بدترین حالت، تنها زمانی از این مسائل مطلع می‌شود که شرکت در آستانه طرح یا مواجهه با دعاوی مالکیت فکری قرار گرفته باشد. قصور هیئت‌مدیره در نظارت بر دارایی‌های فکری صرفاً یک ضعف مدیریتی نیست، بلکه در صورت بی‌توجهی به نشانه‌های هشداردهنده یا فقدان نظام نظارتی مؤثر، می‌تواند به‌عنوان نقض وظیفه امانی مبتنی بر حسن‌نیت تلقی شود. ازاین‌رو نظارت بر مالکیت فکری دیگر صرفاً یک موضوع مدیریتی نیست، بلکه بخشی از مسئولیت امانی هیئت‌مدیره در چارچوب حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود.

هیئت‌مدیره باید علاوه‌بر نظارت بر امور مالی و انطباق قانونی، راهبردهای مالکیت فکری، ارزش دارایی‌های فکری، ریسک‌های نقض حقوق مالکیت فکری و نظام‌های حفاظت از این دارایی‌ها را نیز در چارچوب وظیفه مراقبت و نظارت مستمر خود مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین، مدیریت مالکیت فکری در شرکت‌های نوآور به یکی از ارکان اصلی حاکمیت شرکتی تبدیل شده است و هیئت‌مدیره نمی‌تواند مسئولیت آن را به‌طور کامل به مدیریت اجرایی تفویض کند. بااین‌حال، تحولات اخیر در نظام حاکمیت شرکتی ایالات‌متحده انتظارات بالاتری را نسبت به نقش نظارتی هیئت‌مدیره ایجاد کرده و در صورت قصور مدیران در انجام وظایف نظارتی، احتمال مسئولیت شخصی آنان را افزایش داده است. این افزایش مسئولیت امانی مدیران هم‌زمان با دوره‌ای رخ داده است که ارزش اقتصادی دارایی‌های فکری و همچنین میزان خسارات و مسئولیت‌های ناشی از دعاوی مالکیت فکری، به‌ویژه در شرکت‌های فناوری، بیش از هر زمان دیگری افزایش یافته است.

این تحولات به‌وضوح نشان می‌دهد که هیئت‌مدیره باید در سیاست‌های خود نسبت به نظارت بر دارایی‌های فکری بازنگری کند. درنتیجه، دیگر نمی‌توان پذیرفت که هیئت‌مدیره تمامی امور مربوط به مالکیت فکری را بدون نظارت مؤثر به مدیران عامل واگذار کند. در این زمینه، لایحه شماره ۳۱۳ سنای

دلاور ساختار سنتی شرکت‌های تجاری را به‌طور بنیادین دگرگون نموده و از طریق توسعه قواعد عمومی وظایف امانی و وظیفه نظارت هیئت‌مدیره چارچوبی فراهم می‌کند که می‌توان از آن برای تحلیل مسئولیت مدیران نسبت به ریسک‌های اساسی مرتبط با دارایی فکری استفاده کرد؛ زیرا رویه قضایی این ایالت از توسعه‌یافتگی بالایی برخوردار بوده و تأثیر قابل توجهی بر حقوق شرکت‌ها در سراسر ایالات‌متحده دارد. به‌طور کلی، دعاوی مطرح‌شده علیه مدیران به سبب نظارت نامناسب یا ناکافی، معمولاً بر ادعای نقض وظایف امانی استوار هستند. بااین‌حال، رویه قضایی دلاور استاندارد متفاوت یا سخت‌گیرانه‌تری برای مسئولیت مدیران در نظارت بر دارایی‌های فکری، نسبت به سایر حوزه‌های نظارتی شرکت، مقرر نکرده است. چراکه در این نظام دارایی‌های فکری از حیث استاندارد مسئولیت مدیران، رژیم حقوقی مستقلی ندارند، بلکه نظارت بر آن‌ها تابع قواعد عمومی وظایف امانی مدیران، به‌ویژه وظیفه مراقبت،[1] وظیفه حسن‌نیت[2] و «قاعده قضاوت تجاری» است.

بر این اساس تحلیل مسئولیت مدیران ناشی از نقض وظایف امانی، با «قاعده قضاوت تجاری»[3] آغاز می‌شود. بر اساس این قاعده، فرض اولیه به نفع مدیران است و دادگاه در تصمیمات هیئت‌مدیره مداخله یا آن‌ها را مجدداً ارزیابی نمی‌کند، مگر آنکه شرایط لازم برای برخورداری از این حمایت قانونی احراز نشده باشد. بهره‌مندی از حمایت «قاعده قضاوت تجاری» مستلزم آن است که مدیران بر مبنای اطلاعات کافی و آگاهانه، با حسن‌نیت و با اعتقاد صادقانه به اینکه تصمیم اتخاذشده در راستای منافع شرکت است، اقدام کرده باشند (Hill, 2026: 274).

در حقوق شرکت‌های دلاور، مسئولیت هیئت‌مدیره در قبال حفاظت از دارایی‌های فکری، بیش از آنکه به درستی یا نادرستی نتیجه تصمیم وابسته باشد، به کیفیت فرآیند تصمیم‌گیری بستگی دارد. هرگاه مدیران با کسب اطلاعات کافی، بدون تعارض منافع، با استقلال و حسن‌نیت تصمیم‌گیری کنند، تصمیم آنان تحت حمایت «قاعده قضاوت تجاری» قرار می‌گیرد؛ حتی اگر نتیجه آن مطلوب نباشد. در مقابل، اگر هیئت‌مدیره در ایجاد نظام نظارتی مناسب برای حفاظت از دارایی‌های فکری مرتکب بی‌احتیاطی فاحش شود، امکان طرح دعوای نقض وظایف امانی و مسئولیت مدیران وجود خواهد داشت. این تحلیل به‌طور مستقیم از نقش فرآیندهای حاکمیت شرکتی در حمایت از تصمیمات هیئت‌مدیره و کاهش مسئولیت حقوقی آنان پشتیبانی

1. Duty of Care
2. Duty of Good Faith
3. Business Judgment Rule

می‌کند.

در حقوق آمریکا، وظیفه هیئت‌مدیره صرفاً حفاظت مستقیم از دارایی‌های فکری نیست، بلکه ایجاد و حفظ یک نظام مؤثر اطلاعاتی، کنترلی و گزارش‌دهی برای شناسایی، مدیریت و حفاظت از این دارایی‌هاست. مطابق معیار پرونده کرمارک مسئولیت مدیران زمانی ایجاد می‌شود که هیئت‌مدیره به‌طور مستمر و نظام‌مند از استقرار یا اجرای چنین نظامی خودداری کند یا هشدارهای آشکار درباره مخاطرات را نادیده بگیرد. بنابراین، در حوزه دارایی‌های فکری نیز اگر هیئت‌مدیره هیچ سازوکار معقولی برای شناسایی، ثبت، حفاظت، پایش نقض حقوق مالکیت فکری یا مدیریت ریسک‌های مرتبط ایجاد نکند، یا نسبت به هشدارهای جدی بی‌اعتنا باشد، امکان طرح دعوای نقض وظایف امانی بر مبنای استاندارد پرونده فوق وجود خواهد داشت؛ هرچند رویه قضایی نشان می‌دهد که احراز این مسئولیت مستلزم اثبات قصوری فاحش و نظام‌مند است، نه صرف وقوع یک اشتباه مدیریتی یا خسارت اتفاقی (Sterne,Chaplick, 2005: 17).

مبنای حقوقی دیگری که ممکن است برای مسئولیت هیئت‌مدیره در اثر سوءمدیریت دارایی‌های فکری مطرح شود، «دکترین اتلاف دارایی‌های شرکت»[1] است. بر اساس حقوق شرکت‌های ایالت دلاور، مدیران مسئول اداره و حفظ دارایی‌های شرکت هستند. به لحاظ نظری، اگر شرکتی برای حفظ ارزش دارایی‌های فکری خود اقدامات لازم را انجام ندهد. برای مثال، در مهلت مقرر نسبت به ثبت اختراع اقدام نکند یا از حقوق ارزشمند مالکیت فکری خود در برابر نقض، حمایت و اجرا نکند ممکن است مدیران در معرض دعوای مبتنی بر اتلاف دارایی‌های شرکت قرار گیرند. بااین‌حال، در عمل چنین دعاوی تاکنون به‌ندرت مطرح شده‌اند. دلیل آن این است که دعاوی اتلاف دارایی معمولاً بر فعل مثبت هیئت‌مدیره، مانند انتقال دارایی‌های شرکت، پرداخت پاداش‌های نامتعارف یا اعطای اختیار خرید سهام متمرکز هستند، نه بر ترک فعل هیئت‌مدیره در حفظ و صیانت از ارزش دارایی‌های شرکت. بر اساس رویه قضایی دلاور، مدیران تنها زمانی به دلیل اتلاف دارایی‌های شرکت مسئول شناخته می‌شوند که آنچه شرکت در برابر انتقال یک دارایی دریافت کرده، از نظر ارزش آن‌چنان ناچیز و نامتناسب باشد که هیچ شخص متعارفی با قضاوت تجاری سالم، آن را معادل بهای پرداخت‌شده توسط شرکت نداند. این معیار در پرونده Saxe v. Brady[2] بیان شده است.

بااین‌حال، رویه قضایی آمریکا این مبنا را تاکنون برای مواردی مانند عدم ثبت به‌موقع اختراع، عدم تمدید

1. Doctrine of Corporate Waste
2. Saxe v. Brady (Del. Ct. Ch. 1962)

حقوق مالکیت فکری یا عدم پیگیری نقض حقوق مالکیت فکری به کار نبرده است. در عمل، مسئولیت هیئت‌مدیره در این حوزه بیشتر بر مبنای نقض وظایف امانی و قصور در نظارت (به‌ویژه مطابق معیارکرمارک) بررسی می‌شود، نه بر اساس دکترین اتلاف دارایی. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هرچند اتلاف دارایی از لحاظ نظری قابلیت استناد دارد، اما مبنای اصلی مسئولیت هیئت‌مدیره در حفاظت از دارایی‌های فکری در حقوق آمریکا همچنان وظیفه مراقبت، وظیفه نظارت و ایجاد نظام‌های کنترلی مؤثر است و مسئولیت مدیران غالباً نه به دلیل نتیجه زیان‌بار تصمیم، بلکه به دلیل ضعف فرآیند تصمیم‌گیری و نظارت مطرح می‌شود (Sterne, Chaplick, 2005: 18). این تحلیل را می‌توان به حوزه حفاظت از دارایی‌های فکری نیز تسری داد. اگر هیئت‌مدیره درباره ثبت، بهره‌برداری، صدور مجوز، انتقال یا اجرای حقوق مالکیت فکری بدون اطلاعات کافی، بدون گزارش‌های تخصصی یا بدون نظارت مستقل تصمیم‌گیری کند، احتمال استناد به نقض وظیفه مراقبت و وظیفه حسن‌نیت افزایش می‌یابد. بنابراین، حاکمیت شرکتی مطلوب اقتضا می‌کند که تصمیمات مرتبط با دارایی‌های فکری بر پایه اطلاعات کامل، ارزیابی کارشناسی و فرآیند تصمیم‌گیری مستند و منظم اتخاذ شوند تا از حمایت قاعده قضاوت تجاری برخوردار باشند.

در نظام ایران لایحه تجارت ۱۴۰۳ به یک وظیفه مهم هیئت‌مدیره در باب نظارت اشاره می‌کند: «هیئت‌مدیره باید به منظور حفاظت از دارایی‌ها و منابع شرکت در برابر اتلاف، تقلب و سوءاستفاده، همچنین به منظور تحقق کارایی و اثربخشی عملیات شرکت و گزارشگری مالی و غیرمالی شرکت و رعایت قوانین و مقررات، سازوکارهای نظارت (کنترل) داخلی را در شرکت ایجاد نماید و واحد حسابرسی داخلی را تشکیل و مورد نظارت قرار دهد». همچنین ماده ۳ دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار ۱۴۰۱[1] به ایجاد و تقویت سازوکارهای مؤثر حاکمیت شرکتی و نظارت توسط هیئت‌مدیره اشاره کرده است. در ادامه ماده ۱۴ دستورالعمل فوق برای وظیفه نظارتی اهمیت ویژه دارد و هیئت‌مدیره باید کمیته‌های تخصصی مربوط را در ساختار حاکمیت شرکتی پیش‌بینی کند؛ ازجمله کمیته‌هایی که در حوزه‌هایی مانند حسابرسی و ریسک و انتصابات نقش دارند.

۳-۱-۲. وظیفه وفاداری[2]

وفاداری مفهومی محوری در حقوق امانی است، هرچند میان صاحب‌نظران درباره این موضوع اختلاف‌نظر

---

۱. از این پس با عنوان دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ۱۴۰۱ آمده است.

2. Duty of Loyalty

وجود دارد که آیا باید از روابط امانی به تعهدات ناشی از وفاداری برسیم یا برعکس، از مفهوم وفاداری برای تبیین روابط امانی استفاده کنیم. با وجود این، دیدگاه غالب در نظام‌های حقوقی مختلف و در نظریه‌های گوناگون آن است که وفاداری عنصری اساسی در روابط امانی محسوب می‌شود. مهم‌ترین جلوه این وظیفه، الزام شخص امین به اجتناب از تعارض میان منافع شخصی خود و وظایفی است که در قبال ذی‌نفع بر عهده دارد. این قاعده دو جلوه اساسی دارد: الف. منع تعارض منافع: یعنی منافع شخصی مدیر یا شخص امین نباید با وظیفه او نسبت به شرکت یا ذی‌نفع در تعارض قرار گیرد. ۲. منع تعارض وظایف: یعنی شخص امین نباید در موقعیتی قرار گیرد که وظایف او در برابر اشخاص مختلف با یکدیگر تعارض پیدا کند (Gold, 2013: 384-388). به‌طور کلی در شرکت‌ها، وظیفه وفاداری مدیران و مقامات اجرایی را ملزم می‌کند از تحصیل منفعت شخصی به زیان شرکتی که برای آن فعالیت می‌کنند خودداری کنند (Eckstein & Gideon Parchomovsky, 2019: 804).

از این منظر، وظیفه وفاداری مدیران صرفاً ناظر بر منع معاملات متعارض با منافع شرکت نیست، بلکه استثمار یا تصاحب فرصت‌های تجاری متعلق به شرکت را نیز در برمی‌گیرد. از آنجا که فرصت تجاری شرکت می‌تواند شامل دارایی‌های فکری همچون اسرار تجاری و سایر موضوعات ارزشمند مرتبط با فعالیت شرکت باشد، وظیفه وفاداری مدیران می‌تواند مبنایی برای جلوگیری از بهره‌برداری شخصی آنان از دارایی‌های فکری شرکت نیز تلقی شود (Corradi, Nowag, 2023: 151-164). در حقوق شرکت‌های ایران ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت[1] مهم‌ترین مصداق قانونی شناسایی و کنترل تعارض منافع مدیران در معاملات با شرکت است. نکته مهم این است که ماده فوق این دست از معاملات را مطلقاً ممنوع نمی‌کند، بلکه انجام آن نیازمند تشریفات خاصی نظیر اجازه هیئت‌مدیره، اطلاع بازرس، گزارش به اولین مجمع عمومی عادی و سلب حق رأی مدیر ذی‌نفع است. در خصوص منع بهره‌برداری شخصی مدیر از موقعیت سازمانی نیز ماده ۱۳۲ به ممنوعیت دریافت وام و اعتبار از شرکت اشاره داشته است. مضاف بر این، در مورد تصاحب فرصت شرکت نیز در ماده ۱۳۳ ل.ا.ق.ت منع رقابت با شرکت را مقرر نموده است.

---

۱. «اعضاء هیات مدیره و مدیر عامل شرکت و هم چنین مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیات مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیات مدیره یا مدیر عامل آن‌ها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیات مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهیم شوند و در صورت اجازه نیز هیات مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیات مدیره یا مدیر عامل ذینفع در معامله، در جلسه هیات مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی، هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور، حق رأی نخواهد داشت.

وظیفه حفظ اسرار تجاری شرکت در ماده ۵۷۴ لایحه تجارت ۱۴۰۳ منعکس شده است. «مدیر یا اعضای هیئت‌مدیره و نیز هر شخصی که در جلسات هیئت‌مدیره شرکت می‌نماید، متعهد به حفظ اسرار تجاری و اطلاعات نهانی شرکت و عدم استفاده از آن‌ها و رعایت محرمانگی مذاکرات هیئت‌مدیره هستند». بنابراین، حفاظت و مدیریت دارایی‌های فکری نه‌تنها یک موضوع مربوط به حقوق مالکیت فکری، بلکه بخشی از وظیفه امانی و وظیفه نظارتی هیئت‌مدیره در چارچوب حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود. در مواد ۵۸٦ (معاملات مدیران و اشخاص وابسته با شرکت: تعارض منافع و معاملات خودذی‌نفعانه)، ۵۹۱ (منع وام و اعتبار به مدیران و اشخاص مرتبط: جلوگیری از انتفاع شخصی)، ۵۹۲ (منع رقابت مدیر با شرکت: مصداق بارز وفاداری به شرکت)، ۷۹۳ (استقلال اعضای هیئت‌مدیره: جلوگیری از وابستگی و تعارض منافع) از لایحه تجارت ۱۴۰۳ نیز عناصر وظایف مرتبط با وفاداری دیده می‌شود.

تبصره‌های ۱، ۲ و ۳ ماده ۷[1] و ماده ۱۳ دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ۱۴۰۱ در خصوص افشای داشتن منافع در معاملات است. مقررات حاکمیت شرکتی با قرار دادن تصویب معاملات بااهمیت با اشخاص وابسته در زمره وظایف غیرقابل تفویض هیئت‌مدیره، سازوکاری برای کنترل تعارض منافع و حمایت از منافع شرکت ایجاد کرده است. اهمیت این حکم از آن جهت است که معامله با شخص وابسته، به دلیل وجود رابطه مدیریتی، مالکیتی یا اقتصادی میان طرفین، می‌تواند زمینه ترجیح منافع شخصی یا گروهی بر منافع شرکت را فراهم کند. بنابراین، الزام به بررسی و تصویب این معاملات در سطح هیئت‌مدیره را می‌توان یکی از ابزارهای اجرایی تحقق وظیفه وفاداری دانست؛ به‌ویژه آنکه مدیران در چنین مواردی باید تصمیم خود را با لحاظ منافع شرکت و بدون تأثیرپذیری از منافع شخصی یا وابستگی‌های خود اتخاذ کنند. بنابر مطالب فوق، ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت قاعده عام معامله مدیر ذی‌نفع با شرکت را مقرر می‌کند؛ مقرره دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ۱۴۰۱ نیز در شرکت‌های مشمول، این کنترل را از منظر ساختار حاکمیت شرکتی و صلاحیت هیئت‌مدیره تقویت می‌کند.

مطابق ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ مدیران شرکت، اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل و برخی اشخاص مرتبط، «اشخاص دارای اطلاعات نهانی» محسوب می‌شوند و استفاده از اطلاعات نهانی قبل از انتشار عمومی یا فراهم کردن موجبات افشای غیرمجاز آن، مشمول ضمانت اجرای کیفری است. همان‌گونه

---

۱. «تبصره ۱: هیئت‌مدیره باید بر تعارض منافع در معاملات با اشخاص وابسته نظارت و آن را افشا کند. تبصره ۲: مدیران اصلی باید منافع بااهمیت مستقیم یا غیرمستقیم خود را در معامله یا موضوع مؤثر بر شرکت، نزد هیئت‌مدیره افشا کنند. تبصره ۳: معاملات اشخاص وابسته باید طبق مقررات مربوط شناسایی و مستندسازی شده و به تصویب هیئت‌مدیره برسد».

که می‌بینیم مقررات اطلاعات نهانی، یکی از سازوکارهای قانونی برای جلوگیری از بهره‌برداری شخصی اشخاص دارای موقعیت مدیریتی از اطلاعات شرکت است و از این حیث با جنبه سلبی وظیفه وفاداری مدیران ارتباط پیدا می‌کند.

شایان ذکر است که این وظیفه در حوزه مالکیت فکری شرکت اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ زیرا بخش قابل توجهی از ارزش اقتصادی شرکت ممکن است در دارایی‌های غیرملموس، ازجمله اختراعات، اسرار تجاری، نرم‌افزارها، علائم تجاری، دانش فنی و... نهفته باشد. بنابراین، مدیر نمی‌تواند با اتکا به جایگاه و دسترسی خود، اطلاعات یا دارایی‌های فکری شرکت را برای منفعت شخصی یا منفعت اشخاص ثالث مورد استفاده قرار دهد یا فرصت‌هایی را که به‌طور متعارف متعلق به شرکت است به نفع خود تصاحب کند. از این منظر، وظیفه وفاداری دارای یک بعد سلبی و یک بعد ایجابی است: از یک سو، مدیر باید از سوءاستفاده، تصاحب فرصت‌های تجاری، افشای اطلاعات محرمانه و بهره‌برداری شخصی از دارایی‌های فکری شرکت خودداری کند و از سوی دیگر، باید اقدامات متعارف و لازم را برای صیانت از این دارایی‌ها و جلوگیری از تضییع حقوق شرکت انجام دهد. درنتیجه نقض وظیفه وفاداری در حوزه مالکیت فکری می‌تواند نه‌تنها در قالب یک تعارض منافع، بلکه در قالب سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه، نقض اسرار تجاری، تصاحب فرصت تجاری و تضعیف حقوق مالکیت فکری شرکت نیز متجلی شود.

۳-۱-۳. وظیفه مراقبت

وظیفه مراقبت یکی از ارکان اساسی وظایف امانی اعضای هیئت‌مدیره در نظام حاکمیت شرکتی است. مطابق اصول دستورالعمل راهبری شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۲۰۲۳،[1] اعضای هیئت‌مدیره باید در انجام وظایف خود بر مبنای اطلاعات کامل و به‌هنگام، با حسن‌نیت، دقت و مراقبت لازم و در راستای منافع شرکت و سهامداران عمل کنند. بنابراین، وظیفه مراقبت صرفاً به پرهیز از رفتار زیان‌بار محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم آن است که مدیر پیش از اتخاذ تصمیمات مهم، اطلاعات مرتبط را به‌طور مناسب بررسی و ارزیابی کرده و از کفایت نظام‌های اطلاعاتی و کنترلی شرکت اطمینان حاصل کند از این منظر، وظیفه مراقبت بخشی از سازوکار حاکمیت شرکتی برای تضمین تصمیم‌گیری آگاهانه و کاهش ریسک‌های ناشی از مدیریت نامناسب شرکت است (OECD, 2023: 34-35). وظیفه مراقبت مدیران در قلمرو مالکیت فکری نیز جاری است. از آنجا که دارایی‌های فکری بخشی از دارایی‌های شرکت محسوب می‌شوند، مدیران

1. Organization for Economic Cooperation and Development published Principles of Corporate Governance

مکلف‌اند در شناسایی، ارزیابی، مدیریت و حفاظت از آن‌ها همان سطح متعارف از دقت و مراقبتی را که در قبال سایر دارایی‌های شرکت دارند، اعمال کنند. بر این اساس، مدیران باید از ماهیت و ارزش اقتصادی دارایی‌های فکری شرکت، ازجمله اختراعات، علائم تجاری، نرم‌افزارها و اسرار تجاری، آگاهی کافی داشته باشند و تدابیر مناسب برای جلوگیری از افشا، از دست رفتن یا سوءاستفاده از آن‌ها اتخاذ کنند. بنابراین، بی‌اطلاعی مدیر از وجود یا ارزش دارایی‌های فکری، فقدان سازوکارهای مناسب برای حفاظت از اسرار تجاری یا عدم اتخاذ اقدامات متعارف برای صیانت از حقوق مالکیت فکری، در شرایط مقتضی می‌تواند از منظر نقض وظیفه مراقبت مورد ارزیابی قرار گیرد (Donner, 2016: 203-204).

اگرچه قانون‌گذار ایرانی وظیفه مراقبت را به‌عنوان یک وظیفه مستقل و صریح شناسایی نکرده است، ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت با شناسایی مسئولیت مدیران در برابر شرکت و اشخاص ثالث در قبال تخلف از الزامات قانونی، اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی، مبنایی برای تحلیل مسئولیت مدیر در فرض قصور در ایفای وظایف مدیریتی فراهم می‌کند. شایان ذکر است که وظیفه مراقبت فقط یک استاندارد نظری نیست؛ در بازار سرمایه، قانون‌گذار برای توانایی و صلاحیت مدیر و حتی ترک فعل او آثار حقوقی و انتظامی پیش‌بینی کرده است. به‌ویژه در ماده ۲ آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید ۱۳۹۱، برای مدیران ناشران اوراق بهادار، تحصیلات مرتبط، سابقه کار مرتبط و برای مدیرعامل نیز آشنایی با مدیریت، اقتصاد، حسابداری و قوانین و مقررات مرتبط مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۲. وظایف راهبری راهبردی و مدیریت ریسک

منظور از راهبری راهبردی ادغام مالکیت فکری در برنامه‌های نوآوری و توسعه شرکت است. ارزش دارایی‌های فکری باید در ارتباط با راهبرد و مدل کسب‌وکار شرکت مورد ارزیابی قرار گیرد؛ بدین ترتیب، راهبری مالکیت فکری صرفاً به تصمیم درباره ثبت یا انتقال یک حق محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ادغام ریسک‌های مالکیت فکری در نظام کلی مدیریت ریسک و تصمیم‌گیری راهبردی شرکت است (Denoncourt, 2016: 48). منظور از مدیریت ریسک نیز، شناسایی و کنترل ریسک‌های افشا، نقض حقوق و دعاوی مالکیت فکری است. درواقع مدیریت نادرست یا عدم بهره‌برداری مناسب از دارایی‌های مالکیت فکری می‌تواند شرکت را در معرض خطرات قابل‌توجهی قرار دهد؛ ازجمله دعاوی حقوقی، از دست دادن مزیت رقابتی و آسیب به اعتبار شرکت. هیئت‌مدیره در مقام راهبر شرکت باید درباره موضوعاتی مانند این‌ها در سطح کلان تصمیم‌گیری کند:

- کدام اختراعات ثبت شوند و در کدام کشورها؟
- شرکت چه فناوری‌ها و اختراعاتی را توسعه دهد؟
- کدام فناوری‌ها تجاری‌سازی یا واگذار شوند؟
- شرکت از چه طریق از اسرار تجاری و دانش فنی خود محافظت کند؟
- آیا استفاده از فناوری متعلق به دیگران، ریسک نقض حقوق مالکیت فکری ایجاد می‌کند؟
- چه میزان سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه فناوری انجام شود؟
- در صورت ادغام، تملک یا سرمایه‌گذاری، ارزش و وضعیت سبد مالکیت فکری شرکت هدف چگونه ارزیابی شود؟

پس راهبری راهبردی به این معناست که هیئت‌مدیره باید مالکیت فکری را در تصمیمات کلان شرکت وارد کند، نه اینکه صرفاً پس از وقوع مشکل حقوقی واکنش نشان دهد. در حقوق دلاور، هیئت‌مدیره در تعیین راهبرد تجاری از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است و دادگاه اصولاً در ارزیابی ماهوی تصمیمات تجاری آن مداخله نمی‌کند؛ بااین‌حال، این اختیار با تکلیف هیئت‌مدیره به ایجاد سازوکارهای معقول اطلاعات، گزارش‌دهی و نظارت بر ریسک‌های اساسی شرکت همراه است. از این منظر، راهبری راهبردی و مدیریت ریسک دو وجه مکمل وظیفه هیئت‌مدیره‌اند: مدیران در انتخاب راهبرد از اختیار برخوردارند، اما در شناسایی و نظارت بر ریسک‌های اساسی شرکت نمی‌توانند کاملاً منفعل باشند.

در حقوق ایران همین مفهوم بیشتر از طریق ساختار حاکمیت شرکتی و تکالیف قانونی هیئت‌مدیره ایجاد می‌شود و برخلاف دلاور، یک دکترین قضایی توسعه‌یافته مشابه نداریم. برای شرکت‌های بورسی، دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ۱۴۰۱ اهمیت زیادی دارد. این دستورالعمل هیئت‌مدیره را به ایجاد و تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی و استفاده از سازوکارهای کنترلی و مدیریتی ملزم می‌کند. همچنین ساختار کمیته‌های تخصصی مانند کمیته حسابرسی و کمیته ریسک، راهکاری برای عملیاتی کردن نظارت و مدیریت ریسک در سطح هیئت‌مدیره است. حتی در مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی نیز همین جهت‌گیری دیده می‌شود؛ برای نمونه، آیین‌نامه انتظام بخشی شرکت‌های دولتی موضوع بند (هـ) تبصره (۲) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور (مصوب ۲۲/۰۴/۱۴۰۱ هیئت‌وزیران)، هیئت‌مدیره را مکلف به ایجاد سازوکارهای کنترل داخلی، ارزیابی عملکرد، پایش پروژه‌های سرمایه‌گذاری و حسابرسی داخلی کرده است.

۳-۳. وظایف مبتنی بر پاسخگویی

پاسخگویی هیئت‌مدیره به معنای مسئولیت مدیران در قبال نحوه اعمال اختیارات و تصمیمات خود و فراهم کردن امکان نظارت و ارزیابی عملکرد آنان از سوی شرکت، سهامداران و سایر ارکان نظارتی است. مواد ۸۹(رسیدگی مجمع عمومی عادی به گزارش مدیران و صورت‌های مالی)، ۹۵ (امکان درخواست تشکیل مجمع توسط سهامداران اقلیت)، ۱۴۲ (مسئولیت مدیران در برابر شرکت و اشخاص ثالث) و ۲۷۶ (امکان اقامه دعوا از سوی سهامداران به نام و از طرف شرکت علیه مدیران) ل.ا.ق.ت راجع‌به این بحث است. دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ۱۴۰۱، فصل مستقلی با عنوان «پاسخگویی و افشای اطلاعات» دارد و اساساً با هدف حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، پیشگیری از تخلفات و ارتقای شفافیت بازار تصویب شده است. ماده ۳ این دستورالعمل، هیئت‌مدیره را مکلف می‌کند برای ایجاد، استمرار و تقویت سازوکارهای اثربخش حاکمیت شرکتی اقدام کند و اقدامات انجام‌شده را در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره منعکس و در مجمع عمومی عادی به سهامداران ارائه کند. بنابراین پاسخگویی در اینجا فقط پسینی نیست؛ هیئت‌مدیره باید فرآیند و سازوکار پاسخگویی را نیز ایجاد کند.

پاسخگویی هیئت‌مدیره به سهامداران در حوزه مدیریت دارایی‌های فکری بدین معناست که مدیران، ضمن برخورداری از اختیار اداره شرکت، باید امکان ارزیابی و نظارت سهامداران بر تصمیمات بااهمیت مربوط به دارایی‌های فکری را در چارچوب الزامات قانونی و افشا فراهم کنند. از آنجا که دارایی‌های فکری می‌توانند بخش مهمی از ارزش اقتصادی و مزیت رقابتی شرکت را تشکیل دهند، تصمیمات هیئت‌مدیره درباره تحصیل، بهره‌برداری، انتقال، واگذاری یا حفاظت از این دارایی‌ها می‌تواند مستقیماً بر منافع شرکت و درنتیجه ارزش سرمایه سهامداران اثرگذار باشد. بنابراین، پاسخگویی در این حوزه از طریق ترکیب الزامات حاکمیت شرکتی، شفافیت و افشا، نظارت سهامداران و سازوکارهای مسئولیت مدیران تحقق می‌یابد.

۳-۴. گزارش‌دهی و شفافیت و افشا

گزارش‌دهی و شفافیت و افشا در حاکمیت شرکتی به معنای فراهم کردن اطلاعات به‌موقع، دقیق، قابل اتکا و قابل مقایسه درباره امور بااهمیت شرکت برای سهامداران و سایر استفاده کنندگان اطلاعات است؛ به‌گونه‌ای که آنان بتوانند عملکرد مدیریت، وضعیت شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت آن و ریسک‌های مرتبط را ارزیابی کرده و تصمیمات آگاهانه اتخاذ کنند. دستورالعمل اصول راهبری شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۲۰۲۳ تأکید می‌کند که نظام افشای قوی و شفاف، یکی از ارکان اساسی نظارت بازارمحور

بر شرکت‌ها و پیش‌شرط توانایی سهامداران برای اعمال آگاهانه حقوق خود است (OECD, 2023: 25-28). هرگاه اطلاعات مربوط به دارایی‌های فکری برای وضعیت اقتصادی یا ارزش شرکت بااهمیت باشد، مسئله افشا از یک موضوع صرفاً حسابداری به یک موضوع حاکمیت شرکتی تبدیل می‌شود؛ البته با رعایت محرمانگی و جلوگیری از افشای اسرار تجاری. در حقوق دلاور، یک نکته بسیار مهم این است که وظیفه افشای مدیران یک وظیفه امانی مستقل و عام برای هر نوع ارتباط با سهامداران نیست؛ بلکه به‌طور خاص هنگامی که مدیران برای گرفتن اقدام یا رأی سهامداران اطلاعات ارائه می‌کنند، باید اطلاعات بااهمیت را به‌صورت کامل و منصفانه افشا کنند.

در مدیریت دارایی‌های فکری، شفافیت و افشا باید میان دو ضرورت متعارض تعادل برقرار کند: از یک سو، سهامداران و بازار باید به اطلاعات بااهمیت برای ارزیابی وضعیت و ارزش شرکت دسترسی داشته باشند و از سوی دیگر، افشای اطلاعات مربوط به دارایی‌های فکری نباید موجب از دست رفتن مزیت رقابتی یا افشای اسرار تجاری شرکت شود. ازاین‌رو، هیئت‌مدیره در تصمیمات مربوط به افشای اطلاعات مرتبط با مالکیت فکری باید ضمن رعایت الزامات قانونی افشا، ماهیت محرمانه و ارزش راهبردی این اطلاعات را نیز مورد توجه قرار دهد. در قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ ماده می‌شود که حمایت از اسرار تجاری را منوط به اتخاذ تدابیر متعارف برای حفظ محرمانگی دانسته است.

مقررات بازار سرمایه ایران نیز با پیش‌بینی امکان تأخیر در افشای برخی اطلاعات مهم در شرایط خاص و الزام به حفظ محرمانگی آن‌ها، این تعادل میان شفافیت و حفاظت از منافع شرکت را مورد توجه قرار داده است. ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ مبنای قانونی اصلی برای نظام افشای اطلاعات ناشران است[1] و

۱. هر ناشری که مجوز انتشار اوراق بهادار خود را از سازمان دریافت کرده است، مکلف است حداقل موارد زیر را طبق دستورالعمل اجرایی که توسط سازمان تعیین خواهد شد، به سازمان ارائه نماید: ۱- صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده.۲- صورت‌های مالی میاندوره ای شامل صورتهای مالی شش ماهه حسابرسی شده و صورتهای مالی سه ماهه .۳- گزارش هیات مدیره به مجامع و اظهارنظر حسابرس ۴ -اطلاعاتی که اثر با اهمیتی بر قیمت اوراق بهادار و تصمیم سرمایه گذاران دارد.

مواد ۲،[۱] ۵،[۲] ۳۶[۳] و ۷[۴] (الزام ناشر بورسی به تهیه و افشای صورت‌های مالی سالانه و میان‌دوره‌ای و گزارش هیئت‌مدیره به مجامع) دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار (مصوب ۰۳/۰۵/۱۳۸۶ هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار) نیز در اجرای همین ماده و سایر مقررات قانون بازار سرمایه تصویب شده است. ماده ۱۳ دستورالعمل فوق مقرر می‌کند ناشر باید اطلاعات مهم را فوراً افشا کند .در مصادیق آن، رویدادهایی مانند تغییر بااهمیت در فعالیت، تحصیل یا واگذاری بااهمیت سهام، خرید یا فروش بااهمیت دارایی‌ها، تغییر بااهمیت در پیش‌بینی عملکرد و رویدادهای مؤثر بر وضعیت مالی شرکت ذکر شده است. این ماده از این جهت مهم است که دارایی‌های فکری می‌توانند در مواردی جزء دارایی‌ها یا اطلاعات بااهمیت شرکت باشند؛ اما نباید هر دارایی فکری الزاماً مشمول افشای عمومی است. معیار بااهمیت بودن اطلاعات و شمول آن بر مقررات افشاست. مواد ۱۵ تا ۱۷ نیز اجازه می‌دهد در شرایط مشخص، افشای برخی اطلاعات مهم به تأخیر بیفتد؛ ازجمله زمانی که افشای فوری موجب زیان بااهمیت شرکت شود یا احتمال دهد افشا مزیت قابل توجهی برای رقبا ایجاد کند. در این حالت، ناشر مکلف به حفظ محرمانگی اطلاعات است. مواد ۱۵ تا ۱۷ این سازوکار را تنظیم می‌کنند.

۳-۵. سایر وظایف

در کنار وظایف فوق، هیئت‌مدیره دارای وظایفی است که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۵-۱. انتصاب و ارزیابی مدیرعامل و مدیران ارشد

---

۱. «ماده ۲ : ناشر موظف است اطلاعات موضوع این دستورالعمل را در مهلت مقرر، مطابق فرم‌های مورد نظر سازمان، به صورت الکترونیکی و یا کاغذی در سربرگ رسمی خود که به تأیید دارندگان امضای مجاز رسیده باشد، به سازمان ارسال و هم‌زمان به طرقی که سازمان تعیین می‌کند جهت اطلاع عموم منتشر نماید.»

۲. ماده ۵ : «اطلاعات افشا شده از سوی ناشر باید قابل اتکا، به موقع و به دور از جانبداری باشد. اطلاعات دارای تأثیر منفی باید به همان سرعت و دقتی که اطلاعات دارای تأثیر مثبت منتشر می‌شود، افشا شود. اطلاعات مهم باید صریح، دقیق و تا حد امکان به صورت کمّی ارائه شود».

۳. «ماده ۶ : ارائه اطلاعات به تحلیل گران، روزنامه‌نگاران، سهامداران و سایرین نباید به صورت فردی و یا انتخابی باشد، مگر اینکه اطلاعات مزبور قبلاً با رعایت مفاد این دستورالعمل افشاء شده باشد.»

٤. ماده ۷ : «ناشر بورسی مکلف است گزارش‌ها و صورت‌های مالی زیر را مطابق استانداردهای ملی و یا فرم‌هایی که توسط سازمان ارائه می‌شود، ظرف مهلت‌های مقرر تهیه و افشا نماید: ۱- صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده شرکت اصلی و تلفیقی گروه، حداقل ۱۰ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی عادی و حداکثر ۴ ماه پس از پایان سال مالی. ۲- گزارش هیئت‌مدیره به مجامع و اظهارنظر حسابرس در مورد آن، حداقل ۱۰ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی.۳- اطلاعات و صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای ۳، ۶ و ۹ ماهه حسابرسی نشده، حداکثر ۳۰ روز پس از پایان مقاطع سه‌ماهه . ۴- صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای ۶ ماهه حسابرسی شده حداکثر ۶۰ روز بعد از پایان دوره ۶ ماهه و در مورد شرکت‌هایی که ملزم به تهیه صورت‌های مالی تلفیقی هستند، حداکثر ۷۵ روز پس از پایان دوره ۶ ماهه۵- صورت‌های مالی سالانه حسابرسی نشده حداکثر ۶۰ روز پس از پایان سال مالی و در مورد شرکت‌هایی که ملزم به تهیه صورت‌های مالی تلفیقی هستند حداکثر ۹۰ روز پس از پایان سال مالی.۶- برنامه‌های آتی مدیریت و پیش‌بینی عملکرد سالانه شرکت اصلی و تلفیقی گروه حداقل ۳۰ روز قبل از شروع سال مالی جدید و اظهارنظر حسابرس نسبت به آن حداکثر ۲۰ روز پس از ارائه توسط ناشر و....»

انتصاب و ارزیابی مدیرعامل و مدیران ارشد، از وظایف اساسی هیئت‌مدیره در چارچوب حاکمیت شرکتی است؛ زیرا هیئت‌مدیره باید اطمینان حاصل کند که اداره اجرایی شرکت به اشخاص دارای صلاحیت، تخصص و تجربه لازم سپرده شده و عملکرد آنان به‌طور مستمر با راهبردها و منافع بلندمدت شرکت ارزیابی می‌شود. دستورالعمل اصول راهبری شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۲۰۲۳، نیز انتخاب و نظارت بر عملکرد، در صورت لزوم عزل مدیران ارشد و برنامه‌ریزی جانشینی را از وظایف اصلی هیئت‌مدیره شناخته شده است. همچنین ارزیابی عملکرد مدیرعامل و مدیران ارشد باید با راهبرد و سیاست‌های مصوب هیئت‌مدیره مرتبط باشد. در حقوق دلاور و ایران، انتخاب و عزل مدیرعامل در زمره اختیارات هیئت‌مدیره قرار دارد؛ درحالی‌که اصول حاکمیت شرکتی دستورالعمل فوق، علاوه‌بر انتخاب، بر نظارت مستمر بر عملکرد مدیران ارشد و برنامه‌ریزی جانشینی آنان تأکید می‌کند. ازاین‌رو، کارکرد هیئت‌مدیره صرفاً انتصاب مدیرعامل نیست، بلکه انتخاب شخص شایسته، ارزیابی عملکرد وی و تضمین تداوم مدیریت مؤثر شرکت را نیز در برمی‌گیرد.

۳-۵-۲. تصمیم‌گیری و تصویب معاملات و اقدامات اساسی شرکت

از منظر حاکمیت شرکتی، اهمیت این وظیفه در آن است که تصمیمات مربوط به معاملات بااهمیت نباید صرفاً به ملاحظات کوتاه‌مدت محدود شوند، بلکه باید آثار آن‌ها بر منافع بلندمدت شرکت و ریسک‌های مرتبط مورد ارزیابی قرار گیرد. در حوزه مالکیت فکری، این امر در تصمیماتی مانند تحصیل یا واگذاری اختراع و فناوری، انتقال یا اعطای مجوز بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری، واگذاری اسرار تجاری یا سایر دارایی‌های نامشهود بااهمیت، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا تصمیم نادرست درباره چنین دارایی‌هایی می‌تواند مستقیماً بر ارزش و مزیت رقابتی شرکت اثر بگذارد.

نتیجه‌گیری

بررسی وظایف هیئت‌مدیره در قبال دارایی‌های فکری شرکت‌ها نشان می‌دهد که مالکیت فکری را نمی‌توان صرفاً در چارچوب قواعد اختصاصی مالکیت فکری تحلیل کرد؛ زیرا این دارایی‌ها در بسیاری از شرکت‌ها بخشی از ارزش اقتصادی، مزیت رقابتی و راهبرد تجاری شرکت را تشکیل می‌دهند. ازاین‌رو، مدیریت و صیانت از آن‌ها در کنار قواعد مالکیت فکری، تابع وظایف و الزامات حاکمیت شرکتی نیز قرار می‌گیرد. در این چارچوب، هیئت‌مدیره به‌عنوان رکن اصلی اداره شرکت، در قبال نحوه تصمیم‌گیری درباره دارایی‌های

فکری و ایجاد سازوکارهای لازم برای حفاظت و بهره‌برداری صحیح از آن‌ها مسئولیت دارد. از میان وظایف هیئت‌مدیره، وظایف امانی شامل وفاداری، مراقبت و نظارت مهم‌ترین مبنای مسئولیت مدیران در قبال دارایی‌های فکری محسوب می‌شوند. در کنار این وظایف، راهبری راهبردی و مدیریت ریسک، گزارش‌دهی و افشا، انتصاب و ارزیابی مدیران ارشد و تصمیم‌گیری درباره معاملات و اقدامات اساسی، ابعاد حاکمیتی مسئولیت هیئت‌مدیره را تکمیل می‌کنند.

مطالعه تطبیقی حقوق دلاور و چارچوب‌های حاکمیت شرکتی نیز نشان می‌دهد که اعمال اختیار مدیریتی با پاسخگویی همراه است و اختیار هیئت‌مدیره در اتخاذ تصمیمات تجاری، نافی تکلیف آن به تصمیم‌گیری آگاهانه، توجه به ریسک‌های اساسی و ایجاد سازوکارهای مناسب نظارت نیست. در حقوق ایران نیز مجموعه مقررات لایحه اصلاح قسمتی قانون تجارت، مقررات بازار سرمایه و دستورالعمل حاکمیت شرکتی، مبانی لازم برای شناسایی این مسئولیت‌ها را فراهم کرده‌اند؛ بااین‌حال، این قواعد غالباً پراکنده‌اند و رابطه میان وظایف هیئت‌مدیره و مدیریت دارایی‌های فکری به‌صورت صریح و منسجم تنظیم نشده است در مجموع، چالش اصلی حقوق ایران فقدان کامل حمایت از مالکیت فکری نیست، بلکه نبودِ پیوند منسجم میان حقوق مالکیت فکری، حقوق شرکت‌ها و الزامات حاکمیت شرکتی است. تقویت این پیوند می‌تواند حمایت از دارایی‌های فکری را از یک حمایت صرفاً پسینی و دعوایی، به نظامی پیشگیرانه مبتنی بر حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک و پاسخگویی هیئت‌مدیره تبدیل کند. درنهایت، پیشنهادهای اصلاحی و تقنینی به شرح ذیل است:

- نخست، در اصلاح قانون تجارت، لازم است به‌صورت صریح، تکلیف هیئت‌مدیره نسبت به شناسایی، حفاظت و نظارت بر دارایی‌های فکری شرکت پیش‌بینی شود. در این حکم می‌توان دارایی‌های فکری بااهمیت اساسی برای فعالیت یا ارزش شرکت را در زمره دارایی‌ها و ریسک‌های مهم شرکت قرار داد و هیئت‌مدیره را مکلف نمود سازوکارهای متناسب برای مدیریت و نظارت بر آن‌ها ایجاد کند. این امر می‌تواند خلأ موجود میان مقررات عام مربوط به اداره شرکت و الزامات خاص مالکیت فکری را برطرف سازد؛
- دوم، لازم است در مقررات مربوط به معاملات اشخاص وابسته، برای انتقال یا بهره‌برداری از دارایی‌های فکری الزامات روشن‌تری درزمینهٔ ارزیابی، افشا و تصویب پیش‌بینی شود. در حوزه افشا نیز باید میان حق سهامداران و بازار به اطلاعات بااهمیت و ضرورت حفظ محرمانگی اسرار

تجاری و اطلاعات راهبردی تعادل برقرار گردد؛

- سوم، لازم است در چارچوب الزامات حاکمیت شرکتی، شرکت‌های بزرگ و شرکت‌هایی که بخش قابل توجهی از ارزش یا فعالیت آن‌ها مبتنی بر دارایی‌های فکری است، به ایجاد نظام مدیریت و نظارت بر دارایی‌های فکری ملزم شوند. این نظام می‌تواند شامل شناسایی و ثبت دارایی‌های فکری، تعیین مالکیت آن‌ها، کنترل تاریخ‌های ثبت و تمدید، سیاست‌های محرمانگی، مدیریت قراردادهای انتقال و بهره‌برداری و ارزیابی ریسک دعاوی مالکیت فکری باشد؛
- چهارم، با توجه به اهمیت اسرار تجاری، پیشنهاد می‌شود در مقررات شرکت‌ها، هیئت‌مدیره مکلف به ایجاد سازوکارهای متعارف برای حفظ محرمانگی اطلاعات راهبردی شرکت شود. اهمیت این پیشنهاد با توجه به اینکه قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ حمایت از اسرار تجاری را منوط به اتخاذ تدابیر متعارف برای حفظ محرمانگی دانسته است، بیشتر آشکار می‌شود. بنابراین، تعیین تکلیف هیئت‌مدیره نسبت به ایجاد سیاست‌های محرمانگی، کنترل دسترسی و انعقاد توافق‌های عدم افشا می‌تواند در تکمیل حمایت قانونی موجود مؤثر باشد.

در مجموع، پیشنهاد اصلی این پژوهش آن است که قانون‌گذار ایرانی، بدون تحمیل مدیریت مستقیم امور تخصصی مالکیت فکری بر هیئت‌مدیره، وظیفه نظارت و ایجاد سازوکارهای مناسب برای حفاظت و مدیریت دارایی‌های فکری را به‌عنوان بخشی از وظایف امانی و حاکمیتی هیئت‌مدیره شناسایی کند. این رویکرد می‌تواند ضمن حفظ انعطاف لازم برای تصمیم‌گیری تجاری، چارچوب روشن‌تری برای مسئولیت مدیران در قبال یکی از مهم‌ترین منابع ارزش شرکت در اقتصاد دانش‌بنیان ایجاد کند.

فهرست منابع

جنیدی، لعیا و اکبریان طبری، معصومه (۱۳۹۷). «رابطه امانی مدیران در شرکت‌های سهامی: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان» .**دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی**، دوره ۵، شماره ۲.

ستوده تهرانی، حسن.(۱۳۸۸). **حقوق تجارت**، جلد ۲، نشر دادگستر.

آیین‌نامه انتظام بخشي شرکت‌های دولتي موضوع بند (هـ) تبصره (۲) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور مصوب ۲۲/۰۴/۱۴۰۱ هیئت‌وزیران.

آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید ۱۳۹۱.

قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴.

لایحه تجارت ۱۴۰۳ و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷.

Reference

Corradi, Michele, Nowag, Jeroen, (2023).‘Directors’ Duty of Loyalty: Corporate Opportunity Rules as Restrictions of Competition’ in Intersections Between Corporate and Antitrust Law, Cambridge University Press,pp.151–164.

Donner, Irah H., ‘Fiduciary Duties of Directors When Managing Intellectual Property’ (2016) 14 Northwestern Journal of Technology and Intellectual Property,pp 203-216. https://scholarlycommons.law.northwestern.edu/njtip/vol14/iss2/3

Denoncourt, J (2016). True and fair intellectual property information: a corporate governance issue. Journal of Business Law, (1), 47-72.

Eckstein, Asaf, Parchomovsky, Gideon, (2019).Toward a Horizontal Fiduciary Duty in Corporate Law, 104 Cornell Law Review 803, pp.804-852. Available at: https://scholarship.law.cornell.edu/clr/vol104/iss4/2

Gold, Andrew S., The Loyalties of Fiduciary Law (December 20, 2013). Philosophical Foundations of Fiduciary Law, Andrew S. Gold & Paul B. Miller, eds., Oxford University Press, 2014, Forthcoming, Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=2370598

Hill, Avery C.,(2026) A Shareholder’s Guide to Blowing up 100 Years of Delaware Corporate Law: Intellectual Property and Corporate Governance After Delaware Senate Bill No. 313, 33 J. INTELL. PROP. L. 263, pp. 263-289.Available at: https://digitalcommons.law.uga.edu/jipl/vol33/iss1/9.

In re Caremark International Inc. Derivative Litigation, 698 A.2d 959 (Del. Ch. 1996).

hadzima, joseph, (2020).An examination of the questions boards of directors should ask regarding intellectual property, IPvision.

OECD, G20/OECD Principles of Corporate Governance 2023, OECD Publishing, Paris, 2023, Principle V.A, pp. 34–35, https://doi.org/10.1787/ed750b30-en

Rauterberg, Gabriel, The Separation of Voting and Control: The Role of Contract in Corporate Governance, Yale Journal on Regulation 38. 1124, 1137.pp. 1124-1181.

Raichana, R. M (2025). Intellectual property rights (IPR) and corporate governance. International Journal of Advance and Applied Research, 6(12A), 103–105. https://doi.org/10.5281/zenodo.14905104

Sterne, Robert,Chaplick,Trevor,(2005) Why directors must take responsibility for intellectual property, Intellectual Asset Management,pp.15-24.\

B) sites:

https://www.wipo.int/en/web/global-innovation-index/w/blogs/2026/the-value-of-corporate-intangible-assets-worldwide. Last visited: 19/8/2026.

C: Cases

In re Caremark International Inc. Derivative Litigation, 698 A.2d 959 (Del. Ch. 1996).